



امام موسی صدر

امام موسی صدر، عالم، متفکر، سیاستمدار و رهبر شیعیان لبنان در قرن چهاردهم هجری/ بیستم میلادی بود.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - تحصیلات
- ۳ - اساتید
- ۴ - فعالیت‌های سیاسی اجتماعی
 - ۴.۱ - دیدار با عالم مجاهد لبنان
 - ۴.۲ - انتشار نخستین مجله حوزوی
 - ۴.۳ - تأسیس مدارس در قم
 - ۴.۴ - حمایت از انقلاب اسلامی
 - ۴.۵ - مسئله فلسطین و صهیونیسم
 - ۴.۶ - رهبری شیعیان لبنان
 - ۴.۷ - سفر به نقاط مختلف
- ۵ - فعالیت‌های امام موسی صدر در لبنان
 - ۵.۱ - تأسیس مدرسه صنعتی
 - ۵.۲ - تأسیس جمعیت بر و احسان
 - ۵.۳ - تأسیس مؤسسه بیت الفتاه
 - ۵.۴ - تأسیس آموزشگاه پرستاری
 - ۵.۵ - تأسیس مرکز پزشکی
 - ۵.۶ - تأسیس مؤسسه قالیبافی
 - ۵.۷ - مرکز بررسی‌های اسلامی
 - ۵.۸ - تأسیس مجلس اعلای شیعیان
 - ۵.۹ - سازمان جنبش مستضعفان
 - ۵.۱۰ - تأسیس سازمان نظامی امل
 - ۵.۱۱ - اعتصاب عمومی و سقوط دولت
 - ۵.۱۲ - اعتصاب غذا در مسجد
- ۶ - خصوصیات اخلاقی
 - ۶.۱ - تواضع و بزرگواری
 - ۶.۲ - روح بندگی
 - ۶.۳ - احترام به پدر
 - ۶.۴ - مرد صلح و دوستی
- ۷ - سرنوشت مبهم
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

معرفی اجمالی

سید موسی صدر در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۰۷ ش در قم دیده به جهان گشود. پدر وی سیدصدرالدین صدر، از علمای برجسته و مبارز قم به شمار می‌رفت و در زمان تحصیل خود در نجف اشرف حرکت‌های مترقی و نوجویانه را در عراق رهبری می‌کرد. وی پس از مهاجرت به ایران در شهر مقدس مشهد سکونت گزید. اندکی بعد به دعوت بنیانگذار حوزه علمیه قم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، به منظور معاونت و جانشینی ایشان به شهر قم هجرت کرد و پس از سالها تلاش و خدمت، در همانجا دار فانی را وداع گفت. خاندان صدر نیز از خاندان‌های علمی معروف عراق و لبنان در دو قرن اخیر است. پدر مادر او، عالم مبارز، حاج آقا حسین طباطبایی قمی بود که به دلیل اعتراض به سیاست‌های ضد اسلامی رضاشاه به عتبات عالیات تبعید شد.

تحصیلات

دروس ابتدایی و متوسطه را در شهر قم گذراند و همزمان تحصیلات حوزوی را نیز از ۱۳۲۰ در همان شهر آموخت. استادان دوره سطح او بزرگانی چون سیدرضا صدر (برادر بزرگش)، محقق داماد و علوی اصفهانی و استادان خارج فقه و اصول وی، حضرات آیات: سید احمد خوانساری، حجت، محقق داماد، امام خمینی و پدرش بودند. علاوه بر آن فلسفه را نیز نزد علامه طباطبایی و برادرش فراگرفت و خود به تدریس مقدمات و سطح پرداخت. خوش فهمی، گیرایی فراوان و نبوغ علمی او از همان زمان زبانزد گردید. سیدموسی در جنب تحصیل حوزوی و پس از پایان دوره متوسطه وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و موفق به اخذ درجه لیسانس اقتصاد گردید و در همان سالها علاوه بر زبان عربی، زبان‌های انگلیسی و فرانسه را نیز فراگرفت. سید موسی صدر خود در کنار تحصیل خارج فقه و اصول به تدریس مقدمات و سطح نیز اشتغال داشت. از جمله کتاب با ارزش شرح لمعه را برای شاگردانی چند که در حوزه از برجستگی خاصی برخوردار بودند، تدریس می‌کرد و در ارائه مسائل مهم و پیچیده آن، با بیانی شیوا و گیرا همه را سخت به تعجب و

تحسین و آ می داشت. او در سایه پشتکار شبانه روزی توانست در مدت کوتاهی خود را در صف اساتید **حوزه علمیه قم** جای دهد و پس از چندی به تدریس **فقه و اصول و منطق و فلسفه** بپردازد. وی همچنان از **روح بلند و استعداد** سرشار خود کمک می‌گیرد و علاوه بر تسلط کامل به دو زبان فارسی و عربی، به فراگیری زبانهای فرانسه و انگلیسی همت می‌گمارد و در این راه نیز پیروز و سربلند بیرون می‌آید. او فرصتهای طلایی دوران جوانی را به آسانی از دست نمی‌دهد و از لحظه‌های هر چند کوتاه آن استفاده‌های بلند و پایدار می‌کند. پس از درگذشت پدرش در دی ماه ۱۳۳۲، وی برای ادامه و تکمیل تحصیلات دینی خود، عازم نجف اشرف گردید.

اساتید

از استادان معروف دروس سطح و خارج او این فرزندان را می‌توان نام برد:

- ۱- مرحوم **علوی اصفهانی**
- ۲- مرحوم **سید محقق داماد**
- ۳- مرحوم **سید رضا صدر**
- ۴- مرحوم **سید احمد خوانساری**
- ۵- مرحوم **حجت کوه کمره‌ای**
- ۶- مرحوم **سید صدرالدین صدر** (پدرش)
- ۷- مرحوم **علامه طباطبایی**

فعالیت‌های سیاسی اجتماعی

از جمله فعالیت‌های سیاسی اجتماعی وی می‌توان به سفر به نقاط مختلف و دیدار با **علما** و تاسیس مراکز اسلامی و عام‌المنفعه در کشورهای مختلف اشاره کرد.

← دیدار با عالم مجاهد لبنان

دو سال پس از اقامتش در نجف اشرف به قصد دیدار با بستگان خود در لبنان، عازم آن کشور شد و در شهر صور با عالم بزرگ و معروف و مجاهد شیعه لبنان، **سید عبدالحسین شرف‌الدین**، دیدار و گفت و گو نمود. در حدود ۱۳۳۵، آیت‌الله بروجردی، **مرجع تقلید** شیعیان، طی نامه‌ای به وی پیشنهاد کرد تا به عنوان نماینده تام‌الاختیار ایشان، جهت رسیدگی به امور مسلمانان **ایتالیا** به آن کشور برود که او بنا به دلایلی، آن پیشنهاد را نپذیرفت. اما سال بعد که شرف‌الدین در لبنان درگذشت، پسرانش از سید موسی دعوت کردند تا بنا بر سفارش پدرشان، به لبنان رفته و رهبری شیعیان آنجا را برعهده گیرد.

← انتشار نخستین مجله حوزوی

در ۱۳۳۷ وی به همراه جمعی از فضلاء جوان **حوزه علمیه قم** و با حمایت آیت‌الله بروجردی، نخستین مجله حوزوی را به نام **درسپاهی** از مکتب اسلام، انتشار دادند که وی از نخستین شماره آن، سلسله مقالاتی را با عنوان «اقتصاد در مکتب اسلام» - که موضوعی کاملاً جدید بود می‌نوشت.

← تاسیس مدارس در قم

در ۱۳۳۸، سیدموسی صدر به منظور **تربیت و پرورش** کادر متعهد و متخصصی از جوانان در آینده، دبستان و دبیرستان ملی صدر را در شهر قم تأسیس کرد که از نظر علمی و تربیتی، از بهترین مدارس قم محسوب می‌شد. در جنب این فعالیت‌ها، وی با همکاری و همفکری جمعی از فضلاء جوان حوزه علمیه قم، از جمله **آیت‌الله بهشتی**، طرحی مقدماتی را جهت اصلاح امور حوزه تدوین کرد که به دلیل فقدان شرایط مناسب در حوزه، ناکام ماند.

← حمایت از انقلاب اسلامی

با اوج گیری **انقلاب اسلامی مردم ایران** به رهبری امام خمینی در ۱۳۵۷، وی طی مقاله‌ای در **شهریور** ماه آن سال که در روزنامه لوموند پاریس به چاپ رسید، انقلاب اسلامی را ادامه حرکت **انبیا** دانست و امام خمینی را یگانه رهبر بزرگ انقلاب به جهانیان معرفی کرد.

← مسئله فلسطین و صهیونیسم

امام موسی صدر، حل مسأله **فلسطین** را مبرم ترین مسئله می‌دانست و آن را نه تنها مسأله‌ای اسلامی، بلکه انسانی تلقی می‌کرد و می‌کوشید تا وجدان‌های بشری را متوجه خطر **صهیونیسم** و مظلومیت مردم فلسطین کند. وی از جمله گفت: «تلاش برای آزادی فلسطین، تلاش برای آزادی مقدسات اسلامی و مسیحی و تلاش برای آزادی **انسان** است. همچنین تلاشی است برای جلوگیری از آلوده شدن نام **خداوند** روی **زمین**؛ زیرا صهیونیسم با رفتارهای خود، نام خداوند را آلوده می‌سازد.» و به دنبال آن با صدور فتوایی، هرگونه معامله با **اسرائیل** را **تحریم** کرد.

← رهبری شیعیان لبنان

در **زمستان ۱۳۳۸** به دلیل دعوت‌های مکرر شیعیان لبنان و نیز پیشنهاد **آیت‌الله بروجردی**، به آقا سیدموسی صدر، وی پس از زیارت **عتبات عالیات**، در زمستان سال ۱۳۷۹ قمری مطابق با سال ۱۳۳۸ ش. برای بازدید یک ماهه از لبنان و بررسی زمینه‌های فعالیت و اقامت، به آن کشور **سفر** کرد و وارد کور **لبنان** شد. او پس از مشاهده اوضاع آشفته آنجا و نابسامانی‌های مسلمانان، به ویژه شیعیان جنوب لبنان، تصمیم به اقامت و خدمت در آن کشور گرفت. در آن زمان شیعیان اگرچه اکثریت جمعیت لبنان را تشکیل می‌دادند و بر طبق قانون اساسی آن کشور می‌بایست به تناسب، بیشترین قدرت سیاسی را در اختیار داشته باشند، اما نه تنها چنین نبود، بلکه محرومترین گروه مذهبی و در واقع، شهروندان درجه سه به شمار می‌رفتند.

سید موسی صدر پس از ورود به کشور **لبنان**، شهر صور را برای ایفای مسوولیت بزرگ خود انتخاب کرد و در **مسجد جامع** آن به اقامه **نماز جماعت** مشغول گردید. او با مطالعه دقیق اوضاع، بخوبی دریافت که ریشه اصلی همه این گرفتاریها **فقر فرهنگی** و اقتصادی است. از این رو، با یک برنامه ریزی اساسی نخست به **جنگ فقر فرهنگی** رفت و علاوه بر ایراد سخنانی، تشکیل کلاسهای منظم در دبیرستانها و مراکز فرهنگی و هنری دیگر، با جوانان روشنفکر آن سامان ارتباط نزدیک برقرار نمود.

وی با سخن رسا و روشنگرانه خود، پوچی فرهنگ غرب و مادپروری را بری آنان توضیح داد و با الهام از **قرآن**، **سنت** و **مکتب اهل بیت** علیهم السلام منطق **اسلام** را به مثابه قوی ترین و پر محتوا ترین منطق روز معرفی کرد. جوانان که تا آن روز ندیده و بار نمی‌کردند که یک روحانی و رهبر مذهبی این چنین با سیمایی گشاده در برابر آنها مانند پدری مهربان سخن بگوید، شیفته اش شدند. بعلاوه آنها به قدری از **معارف اسلام** و **تشیع** فاصله داشتند که نمی‌توانستند قبول کنند این سخنان از منابع **دین مقدس اسلام** و **تشیع** گرفته شده است.

سید موسی هر چند که در شهر صور سکونت داشت هفته‌ای دو روز برای سخنرانی در دبیرستان عاملیه به بیروت سفر می‌کرد و دبیران و دانش آموزان را نیز از سر چشمه زال **شریعت محمدی** صلی الله علیه و آله سیراب می‌نمود و با گفتار و کردار دلپسند خود همه را بی اختیار شیفته **معارف الهی** و **مکتب امامان معصوم** (علیه السلام) می‌کرد.

← سفر به نقاط مختلف

با وجود اشتغال فراوان امام موسی به امور شیعیان لبنان، وی در طول بیست سال اقامت خود در لبنان، سفرهای متعددی به شهرهای مختلف لبنان کرد و با اغلب رهبران مذهبی و سیاسی و قومی کشور دیدار و گفت و گوهای سازنده و مؤثر نمود. همچنین به بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی سفر کرد و مصاحبه‌های متعددی با رسانه‌های گروهی این کشورها نمود و در آنها بر همزیستی مسالمت آمیز میان همه فرق مذهبی لبنان، کسب حقوق پامال شده فلسطینی‌ها و تلاش و کوشش آحاد مردم لبنان در عمران و رفاه و پیشرفت کشور تأکید کرد. احاطه او بر **میانی عقیدتی** ادیان و مذاهب گوناگون و تلاش و کوشش صادقانه وی در نزدیکی میان ادیان و پیروان آنها و نیز آگاهی کامل به **سیاست** و روابط بین الملل و استقلال فکری و سیاسی او، وی را به عنوان یکی از برجسته ترین رهبران مسلمان مشهور ساخت و از **احترام** ویژه‌ای در میان رؤسای کشورهای اسلامی و غیراسلامی و احزاب و گروه‌های سیاسی و به ویژه مردم لبنان برخوردار نمود و همه بر متانت، تدبیر والا، سلامت نفس و صلح خواهی او برای سربلندی مردم لبنان اذعان داشتند.

فعالیت‌های امام موسی صدر در لبنان

وی با مشاهده و مطالعه اوضاع شیعیان، دریافت که علت عمده مشکلات شیعیان لبنان، در **فقر** فرهنگی و اقتصادی آنان است. از همین رو وی از نخستین ماه‌های ورودش به صور با یک برنامه ریزی منظم، با حضور در دبیرستان‌ها و مراکز فرهنگی و هنری، با جوانان و روشنفکران درباره مبرم ترین مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی گفت و گو می‌کرد؛ حتی در مراکز فرهنگی - مذهبی مسیحیان حاضر می‌شد و با بزرگان آنجا بحث و تبادل نظر می‌نمود. همزمان با نفوذ **استعمار فرانسه** در لبنان، وضع آموزش و پرورش آن کشور بسیار دگرگون و در آور گردید؛ به طوری که یکی از موفق ترین عوامل نشر فرهنگ بیگانگان وجود همین مراکز در آن کشور بود. چرا که برنامه درسی مدارس و دبیرستانها نیز از سوی آنان تنظیم می‌شد و جوانان **مسلمان** سخت تحت تأثیر آداب و رسوم دشمنان قرار داشتند. در این حال (سال ۱۳۷۱ ه.ق) عالم دور اندیش **سید عبدالحسین شرف الدین** که همواره در این قبیل مسائل حالت تهاجمی داشت، حرکت کرد و در مقابل این تهاجم بزرگ فرهنگی نیز ایستاد. با شروع فعالیت سید موسی صدر این مدارس نیز رونق بیشتری گرفت؛ به گونه‌ای که تلاشهای وی پس از مدتی مدرسه عاملیه بیروت، به دانشکده تبدیل شد و به دانشکده عاملیه معروف گردید. او در عین حالی که به سنگر **مسجد** اهمیت فراوان می‌داد از مراکز فرهنگی نیز غافل نبود و همچنان که گذشت با ذوق سرشار و به کارگیری روشهای جدید، **سعه صدر** و برخوردی مناسب خود، در مدت کوتاهی مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها را تبدیل به سنگرهایی فولادین علیه فرهنگ بیگانه کرد و راه استاد برگ خود، عالم مبارز سید شرف الدین را ادامه داد. سید موسی صدر معتقد بود که فقر فرهنگی ارتباط تنگاتنگی با فقر اقتصادی دارد. همچنان که این دو بی ارتباط با مسائل سیاسی، نظامی، اخلاقی و اعتقادی نیز نمی‌توانند باشند. بنابراین باید همه آنها در کنار هم ارزیابی شده، برای هر کدام به طور همزمان در کنار هم چاره اندیشی کرد او می‌گفت: (چقدر تعجب آور است! **اسلام** طلب علم را **فریضه** (واجب) بداند و بیسوادترین مردم **مسلمان**ها باشند. (با اینکه) نطافت را از ایمان بشمارد، در حالی که کثیف ترین کوچه و بازار کوچ و بازارهای ما **مسلمان**ها باشند... دعوت صحیح اگر توأم با عمل نباشد و وضع اجتماعی دعوت کننده یا هم مذہبان او بد باشد، دعوت کم اثر خواهد بود. اصولاً یکی از بزرگترین دلایلهای بطلان ادعای هر دعوت کننده، همان وضع اجتماعی اوست. آخر چطور ممکن است مردم ادعای مسلمانی را که **اسلام** را ضامن سعادت دنیا و آخرت می‌داند باور کنند، در حالی که **فقر**، **جهل**، مرض و عدم بهداشت آنها را فرا گرفته است؛ اخلاق تجار، روش جوانان، کردار زمان و رفتار سیاستمداران همه فاسد و منحرف باشد؟! این خود سند بی اعتباری مدعای هر دعوت کننده‌ای است.)

← تاسیس مدرسه صنعتی

در اواخر دهه چهل شمسی، آفاسید موسی صدر، «مدرسه صنعتی جبل عامل» را جهت آموزش و تربیت نوجوانان و جوانان بی سرپرست و محروم شیعه لبنان تأسیس کرد. این مدرسه شبانه روزی در هفت رشته مهم فنی مانند نجاری، آهنگری، جوشکاری، برق، الکترونیک، ماشین‌های کشاورزی و ... فعالیت می‌کرد و دانش آموزان پس از چهار سال، فارغ التحصیل شده و وارد اجتماع و بازار کار می‌شدند. ریاست این مدرسه را به مدت هشت سال شهید دکتر **مصطفی چمران** که خود فارغ التحصیل فنی از دانشگاه‌های آمریکا بود، برعهده داشت. این مدرسه از سطح علمی و فنی بسیار بالایی برخوردار بود و دانش آموزان، علاوه بر فراگیری فنون مذکور در کلاس‌های عقیدتی و بینش دینی شرکت می‌کردند و با فنون **جنگ چریکی** هم عملاً آشنا می‌شدند. فعالیت‌های این مدرسه موجب **ترس** و **وحشت** فراوان دشمنان گردید و از همین رو بارها، مورد حمله نظامی اسرائیل و احزاب دست راستی و دست چپی لبنان و مزدوران عراق قرار گرفت.

← تاسیس جمعیت بر و احسان

آیت الله صدر، در نخستین سال‌های اقامت خود، «جمعیت بر و احسان» را تأسیس کرد. اعضای این جمعیت خیریه، خود مردم بودند که با کمک‌های مالی داوطلبانه که هر ماه پرداخت می‌کردند، بودجه صندوق را تأمین می‌نمودند. با همین بودجه، ده‌ها نفر از فقرا و مستمندان شیعه، سنی و مسیحی از کوچه‌ها و خیابان‌ها جمع آوری و به کارهای آبرومندانه مشغول شدند. همچنین تعداد قابل توجهی از مسلمانان و مسیحیان لبنان، به ویژه زنان به طور رایگان و داوطلبانه به مداوا و خدمت در این موسسه خیریه پرداختند. این مرکز که به شکل تعاونی و به ابتکار و همت سید موسی ایجاد گردیده است دارای پنج کمیسیون جداگانه به نامهای نفتیش، برنامه، مالی، تبلیغات و مجالس مذهبی است، که هر کدام فعالیت‌های خاص خود را دنبال می‌کنند. این جمعیت در نخستین سال تاسیس خود، تنها بیش از یکصد و بیست نفر **فقیر** دوره گرد را از کوچه و بازار جمع کرد و علاوه بر کمک‌های مالی، برای هر یک شغل آبرومندی ایجاد نمود.

← تاسیس مؤسسه بیت الفتاه

مؤسسه دیگر «بیت الفتاه» (خانه دختران) بود که در آنجا به دختران بی سرپرست و مستمند، خیاطی و هنرهای دستی آموزش می‌دادند. زنان و دختران علاوه بر فعالیت در بخش بانوان جمعیت بر و احسان در مؤسسه بیت الفتاه به کار و کوشش پرداختند.

← تاسیس آموزشگاه پرستاری

وی مرکز دیگری نیز برای بانوان دایر کرد به عنوان آموزشگاه پرستاری. در این آموزشگاه دخترانی که مدرک دیپلم گرفته بودند، پذیرفته می‌شدند و زیر نظر استادان با تجربه آموزش پرستاری می‌دیدند و پس از فارغ التحصیل شدن به مراکز بهداشتی، درمانی و بیمارستانها اعزام می‌شدند و در عین حالی که برای خود و خانواده مایه امید و زندگی بودند در آن مراکز در خدمت محرومان و بیچارگان قرار می‌گرفتند.

← تاسیس مرکز پزشکی

این مرکز به نام مدینه الطب شهرت یافته و تا به حال اقدامات وسیع و مهمی را در خصوص امور بهداشتی و درمانی به انجام رسانده و در بسیاری از قصبه‌های جنوب **لبنان** که سالها مردمش از همه چیز محروم بودند، درمانگاه و مرکز بهداشتی دایر نموده است. مؤسسه بهداشتی و درمانی «مدینه الطب» نیز به

← تاسیس موسسه قالیبافی

این مرکز آموزشی یکی از مراکز سرنوشت ساز برای بانوان و دیگر محرومان به حساب می‌آید و به موجب همین اهمیت، زیر نظر شهید بزرگوار **دکتر مصطفی چمران** اداره می‌شد و بیش از ۲۰۰ دختر از منطقه **جبل عامل** در این مرکز آموزشی مشغول یادگیری قالیبافی بودند. در «مؤسسه قالیبافی» بیش از سیصد دختر شیعه از جبل عامل مشغول فراگیری قالیبافی بودند که با فروش قالی‌ها و سود حاصله از آن، اوضاع محرومان و بی سرپرستان لبنان بهبود می‌یافت.

← مرکز بررسی‌های اسلامی

یکی دیگر از حرکت‌های مهم و ماندگار سید موسی صدر، راه اندازی مرکز فعال دیگری به نام **معهد الدراسات الاسلامیه** (مرکز بررسی‌های اسلامی) بوده است. «معهد الدراسات الاسلامیه» (مرکز بررسی‌های اسلامی) موسسه‌ای فرهنگی بود که به تربیت طلاب علوم دینی از لبنان، کشورهای آفریقایی، اندونزی، چین، تایلند، و ژاپن می‌پرداخت و طلاب فاضلی از این حوزه، فارغ التحصیل شدند. البته موسسات و مراکز مختلفی را که به همت و رهبری سید موسی صدر ساخته شده، نمی‌توان در همین چند مورد خلاصه کرد، چنانکه دو موسسه مهم دیگر به نام‌های دار الایتمار و سازمان زنان هم در نتیجه تلاش‌ها و جانفشانی‌های او به ثمر رسیده است. که توضیح و تفصیل این همه مجال دیگری را طلب می‌کند.

← تاسیس مجلس اعلای شیعیان

سید موسی صدر برای گرفتن حقوق قانونی **شیعیان** رهسپار **بیروت** شد و مبارزه وسیعی را در این خصوص آغاز نمود. وی تمام نیروی خود را به کار گرفت تا یک مجلس قانونی برای **شیعیان** آن کشور تشکیل دهد. در حرکت نخست، موضوع را به طور جدی با شخصیت‌های بزرگ سیاسی و مذهبی **شیعه** و غیر شیعه لبنان در میان گذاشت و هدف خود از تاسیس این مرکز را برای آنان توضیح داد. در این میان مخالفت‌ها و کار شکنی‌هایی از طرف دولت‌های عربی و برخی از شخصیت‌های داخلی آغاز گردید. ولی او هیچ وقت از پای ننشست و به تلاش‌های پیگیر خود ادامه داد. پس از چند سال فعالیت مستمر فرهنگی و اجتماعی، آیت الله صدر، در صدد برآمد مرکزی را - همانند مراکز سایر طوایف قومی و مذهبی لبنان - برای شیعیان به وود آورد تا از حقوق طبیعی و اجتماعی آنها حراست نماید. بدین منظور به پیشنهاد وی، نمایندگان شیعیان در مجلس شورای لبنان، طرحی قانونی در روز ۶ صفر ۱۳۸۷ / ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۶ تقدیم کردند که بر اساس آن، شیعیان اجازه یافتند تشکیلاتی به نام «المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی» (مجلس اعلای اسلامی شیعه) تاسیس نمایند. بر اساس این طرح قانونی **شیعیان** اجازه داشتند مجلسی را به نام **المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی** برای دفاع از حقوق حقه خود تاسیس نمایند. پس از گذراندن مراحل قانونی، در **تابستان** سال ۱۳۸۹ ه. ق. مجلس اعلای شیعیان در **لبنان** به طور رسمی و قانونی شروع به فعالیت کرد و در ۶ **ربیع الاول** آن سال / ۱۰ تیر ۱۳۴۸ وی به عنوان نخستین رئیس مجلس اعلای شیعیان انتخاب گردید.

← سازمان جنبش مستضعفان

امام موسی صدر برای حفظ و حراست و سازماندهی فرماندهی، عقیدتی و سیاسی محرومان مسلمان لبنان، سازمان «حرکه المحرومین» را ایجاد کرد که با استقبال عموم اهالی جنوب واقع شد و در دیگر شهرها نیز مشتاقان زیادی داشت. سید موسی صدر شخصیتی بود که دهها سال از زمان خود جلوتر بد و حوادث و مشکلات را قبل از وقوع شناسایی کرده، در پی علاج و پیشگیری بر می‌آمد. او در مدت چند سال اقامت خود در **لبنان** به این نتیجه رسیده بود که جوانان این کشور زمینه‌های مساعدی برای فداکاری و سلحشوری در راه تحقیق آرمان‌های مقدس اسلامی دارند از این رو برای سازماندهی، تربیت و تشکل نیروهای بالقوه آنان و آگاهی هر چه بیشتر و بهتر جوانان از **جهان بینی** و **ایدئولوژی اسلامی** اقدام به تاسیس سازمانی به نام **حرکه المحرومین** نمود، تا برای مبارزه اساسی با **دشمنان اسلام** در منطقه، از نیروهای کار آمد، با ایمان و جان بر کفی بر خوردار باشد.

← تاسیس سازمان نظامی امل

پس از آنکه سازمان‌های اداری، تشکیلاتی و عقیدتی با موفقیت کامل راه اندازی شد و با استقبال پرشور مردمی روز به روز پایه‌هایشان استوارتر گردید، نوبت به مرحله سوم سازماندهی چپ گرا و راست گرا هر کدام برای خود ارتشی کوچک تشکیل داده، برای تحقیق آرمان‌های حزب متبوع خود، هر چند گاهی از آن استفاده می‌کردند. این ارتش‌ها غالباً چون از انگیزه و آرمان دینی و مذهبی نهی بودند در برابر تهدیدات نظامی کشورهای بیگانه، از کارایی لازم برخوردار نبودند به همین علت امنیت مرزهای کشور **لبنان** به آسانی آسیب پذیر می‌شد.

برای از بین بردن چنین حالتی، و در پی ایجاد امنیت داخلی و خارجی کشور **لبنان**، تاسیس یک سازمان نظامی قوی، ضروری به نظر می‌رسید. سازمانی که افراد آن با داشتن آگاهی‌های سیاسی، مذهبی و نظامی، پاسدار مرزهای عقیده و نظام باشند. از این تاریخ بود که پایه‌های یک سازمانی نظامی به نام **افواج مقاومت لبنان** (امل) پی ریزی گردید.

در ۲۶ **جمادی الثانی** ۱۳۹۵ ق/ ۱۵ تیر ۱۳۵۴ وی طی یک سخنرانی، خبر ایجاد سازمانی نظامی (امل) و متشکل از نیروهای مردمی جهت حفاظت از سرزمین لبنان را اعلام داشت. این سازمان که شاخه نظامی **حرکه المحرومین** بود، زیر نظر دکتر مصطفی چمران اداره می‌شد و علاوه بر آموزش‌های چریکی به جوانان لبنانی، صدها نفر از جوانان سایر کشورهای اسلامی، از جمله ایران نیز اردگاه‌های نظامی آن، دوره‌های آموزشی می‌گذراندند **شهید بزرگ دکتر مصطفی چمران** که از طرف امام موسی صدر به مسوولیت سازماندهی این جنبش منصوب شده بود چنین می‌نویسد:

... **شیعیان** فوج فوج وارد این نهضت می‌شدند، احزاب را رها می‌کردند و به‌این سازمان می‌پیوستند. سازمانی مکتبی و برا اساس **ایدئولوژی اسلامی**، بر اساس خط علی و حسین علیهما السلام... نمی‌خواستیم سازمان به صورت دکان درآید و هر کس و ناگس و یا هر فکر غلطی وارد آن شود و خدای نکرده حزبی دیگر مثل احزاب فاسد لبنانی به وجود آید که کارشان دروغ و تهمت و کار چاق کنی و زدن اموال مردم و حکومت و تقسیم منافع است. از همان اول تأکید کردیم که ما ایجاد حرکت کرده‌ایم نه حزب، و حرکت از مبارزه با نفس **تربیت نفس** و **اخلاق** شروع می‌شود...

این سازمان برای اولین بار **طلسم** وابستگی را شکست و با شعار نه شرقی، نه غربی حرکت خود را آغاز کرد و با الهام از معارف ناب اسلامی در کوتاه مدت، کادری با ایمان، زبده و نمونه‌ای را تربیت نمود که هر یک در میدان‌های مختلف علمی، صنعتی، مظامی-اخلاقی و... الگو و سر آمد بودند. در واقع می‌توان این بخش از فعالیت تاسیس **حرکه المحرومین** از سوی امام موسی صدر را دومین مرحله از سرک مراحل سازماندهی **شیعیان لبنان** به حساب آورد. زیرا اولین مرحله آن را وی با تاسیس مرکزی بزرگ به نام **مجلس اعلای شیعیان** شروع کرده بود.

به دنبال این پیروزی، وی در ۱۳۹۲ ق / ۱۳۵۱ درخواست بیست گانه‌ای به دولت تقدیم نمود که از جمله آنها مسلح کردن جوانان شیعه جنوب لبنان جهت مقابله با متجاوزان اسرائیلی بود. اما دولت به‌این درخواست پاسخی نداد. از اینرو برای جلب افکار عمومی در روز ۲۲ صفر ۱۳۹۴ ق / ۲۶ اسفند ۱۳۵۲ به دعوت او ده‌ها هزار نفر از شیعیان به صورت مسلحانه در بعلبک تظاهرات کردند و آیت الله صدر - که در این زمان به دلیل نقش بی بدیلش در رهبری شیعیان لبنان، لقب «امام» گرفته بود - سخنرانی شورانگیزی ایراد کرد و به دولت نسبت به قبول درخواست‌های مشروع خود هشدار داد. چند روز بعد برای ختنی کردن تبلیغات مخالفان، دستور راهپیمایی گسترده‌ای را در شهر صور صادر نمود که با وجود کارشکنی‌های ارتش لبنان، یکصد و پنجاه هزار نفر در آن شرکت کردند. متعاقب آن، قرار شد تا رسیدن به پیروزی نهایی، تظاهرات بزرگ دیگری در دیگر شهرها برگزار شود که به دلیل حوادث سیاسی مهمی که رویارویی کشور قرار داشت، موقتاً به تعویق افتاد.

← اعتصاب عمومی و سقوط دولت

از ۱۳۴۹ / ۱۹۷۰ که حملات چریکی رزمندگان فلسطینی، از لبنان به درون مرزهای **اسرائیل** آغاز شد، مناطق جنوبی لبنان که صحنه اصلی این عملیات بود،

مورد هجوم وسیع هوایی، زمینی و دریایی اسرائیل قرار گرفت و ویرانی‌ها و تلفات زیادی را به بار آورد؛ اما دولت لبنان نه برای متوقف ساختن این تجاوزات اقدامی کرد و نه هیچگاه برپا جبران ویرانی‌ها، قدمی برداشت. پس از آن که اعتراضات آیت الله صدر به دولت به جبران خسارات، در **ربیع الاول** ۱۳۹۰ ق/ خرداد ۱۳۲۹ دستور **اعتصاب** عمومی صادر کرد و به دنبال آن، اعتصاب سراسر کشور را فراگرفت و دولت ناگزیر به ایجاد مرکزی خاص و تخصیص بودجه، دست به یک سلسله اقدامات عمرانی در جنوب لبنان زد و حقوقی برای خانواده‌های شهدا تعیین کرد. امام موسی در جریان جنگ داخلی لبنان، حمایت خود را از مبارزان فلسطینی اعلام داشت و به دولت و ارتش لبنان نسبت به سرکوب و کشتار فلسطینی‌ها هشدار داد. سرانجام با وساطت او، **آتش بس** میان دولت لبنان و احزاب دست راستی با فلسطینی‌های ساکن لبنان برقرار شد. او چند بار دیگر و با گفت و گوهای طولانی با رهبران و احزاب مسیحی و فلسطینی و حتی تهدید احزاب دست راستی و دست چپی لبنان، از جنگ و کشتار میان طرف‌های درگیر جلوگیری کرد. با وجود تلاش‌های فراوان امام موسی، در آشتی دادن میان گروه‌های معارض، به تحریک رئیس جمهور وقت، مناطق شیعه نشین بیروت مورد هجوم واقع شد. امام موسی برای رفع این **فتنه** و خودداری از جنگ گسترده مذهبی، با انتشار بیانیه مشترکی با دو تن از علمای **اهل سنت**، مردم کشور را تا سقوط دولت نظامی به اعتصاب عمومی دعوت کرد که به دنبال این تصمیم قاطع و شجاعانه، پس از چهار روز، دولت سرنگون شد، اما به تحریک احزاب چپ و راست، پس از مدتی جنگ خانگی با انگیزه‌های مذهبی مجدداً در شهرهای لبنان شروع شد.

← اعتصاب غذا در مسجد

امام موسی که آشکارا می‌دانست انگیزه‌ها و **تعصبات مذهبی**، بهانه‌ای بیش برای ایجاد این خونریزی‌ها نیست و احزاب دست نشانده، عاملان اصلی این کینه‌ها و خشونت‌ها هستند، برای جلب توجه عموم مردم در ۱۷ **جمادی الثانی** ۱۳۹۵ ق/ ۶ تیر ۱۳۵۴ دست به اعتصاب غذای نامحدودی در **مسجد** عاملیه بیروت زد و خواست‌های خود را در پنج بند اعلام داشت. مهمترین خواست‌های وی. پایان یافتن درگیری میان همه نیروها، تشکیل دولت جدید (حکومت صغیر) بدون شرکت احزاب چپ و راست و ایجاد کمیته تحقیق جهت جبران خسارات وارده بر مردم بود. این اقدام با استقبال بسیاری از مسلمانان و حتی مسیحیان که از این جنگ ناخواسته خانگی خسته و رنجیده بودند، مواجه شد. به دنبال آن، گروه زیادی از شخصیت‌های بزرگ مسیحی، دولتمردان، سیاستمداران، علمای برجسته اهل سنت و رهبران فلسطینی و نیز وزیر امور خارجه **سوریه** به عنوان اعلام همبستگی با امام موسی، روانه مسجد عاملیه شدند. با وجود کارشکنی احزاب و گروه‌های مسلح چپ و راست، وی در جمع حاضران به ایراد سخنرانی پرداخت که بسیار موثر واقع شد و نیروهای مردمی یکی پس از دیگری، صفوف خود را از احزاب چپ و راست جدا کرده و به امام موسی پیوستند و دولت نیز تسلیم خواسته‌های وی شد. و در نتیجه رشید کرامی، داوطلب نخست وزیری که از سوی امام موسی و مسلمانان حمایت می‌شد، علی رغم میل رئیس جمهور، در چهارمین روز اعتصاب امام موسی به نخست وزیری رسید و به بیروت **آرامش** خود را دوباره بازیافت. اما تحریک دشمنان کماکان ادامه داشت و پس از چندی، درگیری مجدداً آغاز شد که بیشتر قربانیان آن شیعیان بودند. او ناگزیر بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و با خواندن آیاتی از **قرآن کریم** و **انجیل** و ایراد سخنانی الفت آمیز از **امیر مؤمنان (علیه‌السلام)** ضرورت همدلی و **وحدت** میان مسلمانان و مسیحیان را برشمرد و نقش عوامل خارجی را در پشت این توطئه‌ها، یادآور شد. سخنان او تأثیر عمیقی بر مردم نهاد و از فردای آن روز **صلح** و آرامش برقرار گردید.

خصوصیات اخلاقی

تواضع و بزرگواری، **احترام** به والدین و تلاش برای ایجاد صلح و آرامش از بارزترین خصوصیات اخلاقی ایشان بود.

← تواضع و بزرگواری

داستان بزرگواری و افتادگی وی زبانزد بود. او نه تنها در محیط کار با دوستان و همکاران، بلکه در همه جا و در برخورد با همه کس این خلق **حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** را از خود به نمایش می‌گذاشت. یکی از هم بحث‌های معروف وی در **نجف** در این مورد چنین اظهار می‌دارد: ... در موقع کار و حمل اثاثیه سفر، بیشتر از همه کار انجام می‌داد و سنگین ترین وسایل، همیشه بر دوش وی قرار داشت. در وقت **شوخی** و مزاح، مزاح‌های علمی و اخلاقی جالبی می‌کرد. خدا می‌داند که ما در این سفر و در برخوردهای دیگری که داشتیم، همه اش محبت، **تواضع**، **وقار** و بزرگواری دیدم. تمامی اوصافی که در **روایات** برای علما ذکر شده است، همه اش در آقا موسی صدر جمع شده بود. **گذشت** و **کرامت**: چهار بار دشمنان و مزدوران آنها نقشه کشیدند تا وی را **تور** کنند ولی هیچ که موفق نگردیدند. در یکی از این عملیات نا موفق چند جوان **شیعه** عضو حزب کمونیست جبهه شعبیه به رهبری جرج حبش که فریب خورده و مأموریت یافته بودند تا امام موسی صدر را به **شهادت** برسانند، با آر پی جی بر سر راه وی کمین می‌کنند تا ماشین او را هدف قرار دهند. اما به خواست خدا، امام موسی صدر مدتی زودتر از همان راه گذشته بود. پس از گذشت ساعاتی از این حالت جوانان امل منطقه را محاصره کرده و آنها را دستگیر می‌کنند و همه شان به مأموریت خود **اعتراف** می‌نمایند. سپس آنان را به حضور امام موسی صدر می‌برند. او نیز بلافاصله دستور آزادی آنان را صادر می‌کند.

← روح بندگی

روح بندگی که یکی از شرایط اصلی رهبر در **جامعه اسلامی** است و در **قرآن** و **احادیث ائمه معصومین** نیز به آن تأکید فراوان شده است. در امام موسی صدر در حد اعلا پرورش یافته و او را به انسانی متعبد به تمام معنا جلوه گر ساخته بود.

← احترام به پدر

امام موسی صدر در احترام به **پدر** که استاد او نیز بود، اهتمام خاصی می‌ورزید. نحوه برخوردهای وی در این خصوص به قدری شورانگیز بود که آشکارا نشان می‌داد این ارتباط فرزند با پدر از درجه احترام با فراتر گذاشته و به مرحله عشق و ایثار رسیده است. این بود که همه را به شگفتی فرو می‌برد. هر کسی کمترین ارتباط با بیت مرحوم **سید صدر الدین صدر** داشت بی درنگ از این موضوع با خبر می‌شد و تحت تأثیر آن قرار می‌گرفت. به یقین یکی از رموز موفقیت و پیروزی در فعالیتهای فردی، اجتماعی، سیاسی و... اما موسی صدر را باید در همین موضوع جستجو کرد؛ نیکی به دیگران، بخصوص به پدر و مادر و احترام به آنان.

← مرد صلح و دوستی

امام موسی صدر با پیروان **ادیان** و **مذاهب**، روابط صمیمانه‌ای داشت. پیش از ورود وی به **لبنان**، میان **مسیحیان** و **مسلمانان** آن کشور بر اثر اختلافات موجود شکاف بزرگی پدید آمده بود و هر روز که می‌گذشت با نقشه‌های دشمنان این جدایی عمق بیشتری می‌گرفت. او پس از آمدن خود به این ناحیه مصمم شد با تلاش و استقامت خود این فاصله را از ایمان این دو طایفه بزرگ دینی بر دارد و آنها را با همدیگر دوست و مهربان سازد. وی در مراسم جشن و سوگواری هموطنان مسیحی شرکت می‌کرد و در غم و شادی آنان خود را سهیم می‌دانست. در کلیساهای آنان حاضر می‌شد و معاشرت دوستانه‌ای با آنها داشت. بدین ترتیب در مدت کوتاهی این برخوردهای سنجیده، موجب گشت که جامعه مسیحیان یکپارچه شیفته امام موسی صدر شوند، به طوری که مکرر از وی دعوت به عمل می‌آوردند تا در مراسم دینی و مذهبی آنان شرکت جسته، برای آنان سخنرانی کند.

سرنوشت مبهم

از نخستین روزهای جایگزین شدن امام موسی صدر در **لبنان**، دولت و رهبر لیبی یکی از سر سخت ترین دشمنان وی به شمار می‌رفت. در **مرداد** ماه ۱۳۵۷ امام موسی صدر قصد سفری به کشور **الجزایر** داشت. به دنبال آن تماسهایی حاصل شد و بلافاصله از طرف دولت **لیبی** دعوتی رسمی از امام موسی صدر

برای سفر به آن کشور به عمل آمد. روز نوزدهم **رمضان ۱۳۹۸** ه.ق وی از **الجزایر** وارد کشور **لیبی** شد. در یکی از نشست‌ها امام موسی صدر با عقاید جنون‌آمیز **قذافی** که خود را جانشین خدا در زمین می‌خواند بشدت مخالفت کرد و با **شهامت**، پیامدهای شوم این طرز تفکر انحرافی را وی گوشزد نمود. بعد از یک هفته اقامت در **لیبی** امام موسی صدر تصمیم گرفت روز بیست و پنجم **رمضان ۱۳۹۸** ه.ق (۹ شهریور ۱۳۵۷ ش / ۳۱ اوت ۱۹۷۸ م) آن کشور را به قصد **لبنان** ترک گوید تا ساعت ۲ و سی دقیقه بعد از ظهر همین روز، وی در جلو هتل محل اقامت خود مشاهده گردیده ولی بعد از آن با دو تن از همراهان خود شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین ناگهان ناپدید شده است. هنگامی که خبر ربوده شدن امام موسی صدر انتشار یافت بی تابی و نگرانی **جهان اسلام** را فرا گرفت و ملت‌هایی که کوچکترین شناختی از وی داشتند به غم و اندوه فرو رفتند. مردم **لبنان** یکبارچه به هیجان درآمدند و اعتصاب سرتاسری همه جا را از تحرک باز داشت. در این حال روزنامه‌های وابسته به دولت **لیبی** مانند «السفیر» در پی انحراف افکار عمومی با تیترهای بزرگ و با آب و تاب فراوان اعلان کردند که: امام موسی صدر برای همکاری با **انقلاب ایران** و مبارزه بر ضد شاه مخفیانه به **ایران** سفر کرده است. ولی کسی به این حرف‌ها گوش نمی‌داد. اعتراض و راهپیمایی همچنان ادامه داشت و هر روز بیش از روز گذشته بر شور و هیجان و اعتراض مردمی افزوده می‌شد. **حضرت آیه الله العظمی امام خمینی** رضوان الله علیه نیز پس از اطلاع از ربوده شدن امام موسی صدر بشدت ناراحت گشته، بی درنگ تلگرامی بدین شرح خطاب به **یاسر عرفات** مخابره کردند:


بسم الله الرحمن الرحيم
«جناب آقای **یاسر عرفات** رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش **فلسطین** از سلامت جناب حجة الاسلام آقای سید موسی صدر رئیس مجلس **شیعیان لبنان** هیچ گونه اطلاعی ندارم و موجب نگرانی این جانب است. از جناب عالی تقاضا دارم که هر چه زودتر از مکان ایشان اطلاع پیدا کرده و این جانب را از سلامت ایشان آگاه گردانید.

توفیق جناب عالی را در اهداف اسلامی‌خواستارم. [۱]

پانویس

۱. ↑ ابازری، عبدالرحیم، امام موسی صدر، امید محرومان.

منبع

دانشنامه‌های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام، فرهنگنامه علمای مجاهد، برگرفته از مقاله «امام موسی صدر». 

رده‌های این صفحه: **تراجم** | **درگذشتگان سده ۱۴ (قمری)** | **روحانیون مبارز** | **علمای شیعه** | **علمای قرن چهاردهم** | **علمای قم** | **علمای لبنان** | **علمای مجاهد** | **علمای نجف** | **مجلس اعلای لبنان**